

بررسی آثار و نتایج ازدواج دانشجویی در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی^۱

محمد صادق مهدوی*

حسن عنیمتی**



چکیده:

این مقاله به این مسئله می‌پردازد که آیا ازدواج دانشجویی در دانشگاه‌ها که به صورت سالانه برگزار می‌شود و از سوی دانشگاه‌ها مورد حمایت و تشویق قرار گرفته است، آیا از ثبات برخوردار بوده است و آیا در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فردی منجر به بروز تاثیرات مثبت گردیده است؟ نتایج تحلیل‌های صورت گرفته با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از ۶۰۲ نفر از دانشجویانی که در جشن‌های ازدواج دانشجویی در ۵ واحد دانشگاهی آزاد اسلامی شرکت کرده بودند نشان می‌دهد که ایفای نقش تسهیلی و تشویقی از سوی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای ازدواج دانشجویان با ثباتی نسبی می‌تواند منجر به آثار مثبت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فردی گردد.

مفاهیم کلیدی:

واحد اجتماعی، تفاوت‌های جنسی، شبکه اجتماعی

^۱ مطالعه حاضر از طریق حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی صورت پذیرفته است.

d-mahdavi@yahoo.com

* استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

مقدمه:

خانواده اساسی‌ترین واحد اجتماعی به شمار می‌آید و چگونگی بافت خانواده، روابط اعضا با یکدیگر و روابط آنها با محیط اجتماعی و مناسبات خانوادگی و خویشاوندی همه و همه بر ساختارهای جامعه تأثیر شایانی به جا می‌گذارد و متقابلاً در برگشت این ساختارها خانواده و کارکرد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نقطه آغازین شکل‌گیری یک خانواده جدید به ازدواج بر می‌گردد.

ازدواج فرایندی است که منجر به تشکیل نخستین سلول اجتماعی می‌گردد (مهدوی، ۱۳۷۷) و افعه‌ای اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده از اهمیتی بسیار برخوردار است به شکلی که می‌توان گفت بدون ازدواج خانواده مفهوم چندان روشن و واضحی ندارد. (همان)

بنابراین پایداری گروه و زندگی‌کیفی و کمی نسل‌های متوالی به ازدواج بستگی دارد. در سطح فردی، ازدواج نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، ازدواج عالی‌ترین نظام ارتباطی برای دستیابی به نیازهای عاطفی، هیجانی، اجتماعی و ایمنی افراد بزرگسال محسوب می‌شود. از سوی دیگر، در سطح کلان، نهاد خانواده می‌تواند از طریق مکانیسم‌هایی، هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی کنش‌های افراد را تعدیل و حتی حذف کند و عملکرد اجتماعی و اقتصادی را بهبود بخشد و در جهت کاهش هزینه‌های اقتصادی کنش‌های افراد عمل کند. در ارتباط با این موضوع مطالعات بیشتر توصیفی وجود دارد از جمله:

مطالعه‌ای که نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین ازدواج و آرامش روانی در افراد است (Oswald & Wilson, 2005) هم افراد مجرد خوشحال بیشتر احتمال دارد که ازدواج کنند و هم افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد هم‌سن، خوشحال‌ترند (Frey & Stutzer, 2003). مردان مجرد و جدا شده بیشتر دارای اختلالات روانی خفیف هستند (استانسفلد و همکاران، ۱۹۹۱، نقل از یعقوبی ۱۳۷۴) وضعیت بهداشت روانی دانشجویان متأهل به طور معناداری بهتر از دانشجویان مجرد است (پاشا، ۱۳۷۶). وضعیت سلامت روان دانشجویان مجرد بهتر از دانشجویان متأهل می‌باشد (کجباف و همکاران، ۱۳۸۳). از نظر سلامت روانی در آغاز تحصیل بین دانشجویان دختر و پسر، مجرد و متأهل، دانشجویان با سهمیه‌های قبولی و گروه‌های سنی متخلف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (باقری یزدی، بوالهروی و پیروی ۱۳۷۴). دانشجویان متأهل و صاحب فرزندان به لحاظ تحصیلی ناموفق هستند. (هرندی، ۱۳۷۶)

در یک مطالعه بر روی شبکه ارتباطی افراد و امکان یافتن شغل جدید ۶۰/۹٪ پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که بین آنها و کارفرما یک واسطه یا بیش از یک واسطه وجود داشته است. بنابراین یک

فرد به لحاظ حضور در یک ساختار دیگر این توانایی را به دست می‌آورد که از تعداد واسطه‌های (آشنایان) بیشتری برای یافتن شغل برخوردار گردد و ازدواج این امر را مهیا می‌کند. با توجه به این مطالعات و اهداف ذکر شده در ابتدای این مقاله ما در این بخش قصد مرور مختصری از ادبیات نظری مرتبط با ابعاد مورد نظر را داریم.

ازدواج و موفقیت‌های تحصیلی

یکی از موارد تاثیرگذاری ازدواج را می‌توان در بعد آموزشی و تحصیلی دانشجویان مورد بررسی قرار داد. تحقیقات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد ازدواج و تأهل رابطه مستقیمی بر روی دست‌آوردها و موفقیت‌های تحصیلی دانشجویان دارد. در یکی از مطالعات صورت گرفته محقق قصد داشته است آزمون کند که تا چه اندازه نتایج دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی با توجه موقعیت تأهل و جنسیت با هم‌دیگر تفاوت می‌کند. در این مقاله نشان داده می‌شود که ازدواج هم بر روی دانشجویان زن و هم دانشجویان مرد آثار مثبتی را بر جای می‌گذارد. دانشجویان مرد آنهایی که در آغاز تحصیلات تکمیلی ازدواج کرده‌اند، به طور میانگین ۳/۹ درصد بیشتر احتمال داشت که در سال تعیین شده و مقرر فارغ‌التحصیل شوند در واقع آنها ۰/۳۲ سال، زودتر تحصیلات و مقاطع تحصیلی خود را نسبت به مردان مجرد و به اتمام می‌رسانند. این میزان برای دانشجویان زن متأهل کمتر بود و احتمال این که مقاطع تحصیلی‌شان را نسبت به دانشجویان زن مجرد زودتر تکمیل کنند ۰/۲۱ سال بود.

میزان ماندگاری و زمان برای فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان در مقاطع تحصیلی یکی از مسایل عمده در نظام آموزش عالی است. بسیاری از سیاست‌گذاران و محققین دریافته‌اند که سطوح بالاتری از میزان ماندگاری و زمان طولانی برای اخذ درجه موجب هدر رفتن منابع آموزش عالی و هم‌چنین توانایی دانشجو است. میزان ماندگاری و زمان برای اخذ درجه هم‌چنین موجب افزایش هزینه ورود به مشاغل است و در حقیقت توانایی‌های دانشجویان را در پی‌گیری دوره‌های تکمیلی‌تر در دانشگاه‌ها محدود می‌کند. اگر ماندگاری و زمان برای مقاطع تحصیلی بین مردان و زنان متفاوت باشد این مساله می‌تواند بر روی ترکیب جنسیتی دانشگاه‌ها و آموزش عالی تأثیرگذار باشد.

بسیاری از مطالعات در گذشته بیشتر به دنبال اندازه‌گیری تفاوت نتایج دانشجویان به واسطه جنسیت و موفقیت تحصیلی بوده‌اند و تعداد کمی از آنها قادر بوده‌اند یا خواسته‌اند که برای دانشجویان متأهل چنین محاسباتی را در نظر بگیرند، بدین لحاظ ما با کمی منابع در این ارتباط مواجه هستیم و به تبع آن نظریه‌پردازی لازم هم صورت نپذیرفته است. هم‌چنان که اشاره شده

است تحقیقات مهمی وجود دارد که به تفاوت‌های جنسیتی و نتایج حاصل از این مساله اشاره داشته‌اند و تأثیر آن بر روی موفقیت تحصیلی دانشجویان را مورد توجه قرار داده‌اند. Bowen, Rudenstine در سال ۱۹۹۲ در تحقیقی به تفاوت‌های جنسیتی در نام‌نویسی، تکمیل برنامه‌ها و زمان اتمام مقاطع تحصیلی توجه کرده‌اند. مطالعات دیگر شامل Seagram و همکاران در سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۳، Ferreira دریافتند که تفاوت‌های جنسیتی در نتایج دانشجویان تحصیلات تکمیلی مهم است و این مساله می‌تواند بر روی ترکیب جمعیتی آینده آموزش عالی و در نهایت بر نتایج آموزشی دانشجویان تأثیرگذار باشد.

به هر حال یکی از حوزه‌هایی که در تحقیقات مورد غفلت واقع شده مربوط به تفاوت نتایج دانشجویان با در نظر گرفتن وضعیت تأهل آنها است. چگونه ازدواج بر روی نتایج و دست‌آوردهای تحصیلی دانشجویان مرد و زن به طور متفاوتی تأثیر می‌گذارد؟ مطالعات نشان می‌دهد که زندگی دانشجویان متأهل و دانشجویان مجرد با همدیگر تا حدودی متفاوت می‌باشد. لومون تقریباً تمامی تحقیقات قبلی مربوط به اواسط دهه ۱۹۷۰ روی جنسیت، ازدواج و تفاوت آنها در نتایج دانشجویان تحصیلات تکمیلی را خلاصه کرده است.

چرا ازدواج می‌تواند بر روی نتایج و دست‌آوردهای تحصیلی تأثیرگذار باشد؟ یکی از تبیین‌هایی که ارائه شده است، تفاوت تقاضا بر روی زمان و تحرک اجتماعی، مردان و زنان را مورد اشاره قرار می‌دهد. این تبیین که توسط Sell's, Patterson, 1983 انجام شده، نشان می‌دهد که دانشجویان تحصیلات تکمیلی مجرد از هر دو جنس زمان برابری برای انجام کارهای عادی روزمره خود دارند. در حالی که دانشجویان تحصیلات تکمیلی زن متأهل نسبت به دانشجویان زن مجرد و هم‌چنین دانشجویان مرد متأهل زمان بیشتری را صرف رسیدگی به امور روزمره می‌کنند. او هم‌چنین به توضیحات و تفسیرهایی اشاره می‌کند که به وسیله Cross, 1974 ارائه شده است. وی نشان می‌دهد که زنان بیشتر محتمل است که تحصیلات خود را برای همراهی همسر در یک مکان جدید کنار بگذارد یا بالعکس. این مطالعات قدیمی نشان می‌دهد که ازدواج تأثیر منفی بر دانشجویان زن داشته است. هنجارهای اجتماعی با توجه به توازن مالی در داخل ازدواج در طول دهه‌های گذشته تغییر پیدا کرده است و بنابراین امکان دارد که این نتایج قبلی در طولانی مدت و برای شرایط کنونی که دوره این مطالعه است قابل کاربرد نباشد.

بیشتر تحقیقات اخیر در این حوزه که ارتباط ویژه با تحصیلات عالی داشته‌اند، نشان دهنده تبیین‌های بالقوه‌ای برای پیش‌بینی یک اتصال عالی بین ازدواج و نتایج دانشجویان تحصیلات تکمیلی بوده است. اینها شامل تأثیر ازدواج بر زمان و مدت مورد استفاده تولید کنندگی، رفتارهای مخاطره‌آمیز و بهداشت فیزیکی و روانی می‌باشد. یکی از خلاصه‌های خوب از این

مطالعات که این تبیینات را جستجو کرده است به وسیله Gallagher, Waite, 2000 و Alcerlof, 1998 مهیا شده است. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد که مردان متأهل در مقایسه با مردان مجرد بیشتر تولید کننده هستند و از سلامت روانی و فیزیکی (جسمی) بیشتری برخوردار هستند و در رفتارهایی با مخاطره و ریسک کمتری درگیر می‌شوند. تأثیر ازدواج معمولاً بر روی زنان کمتر است در حالی که تغییرات رفتاری که با ازدواج همراه می‌شود برای مردان نسبت به زنان بیشتر است.

تحقیقاتی که در گذشته در رابطه با ارتباط بین وضعیت تأهل و نتایج دانشجویان انجام شده است، هم از جهت در دسترس بودن داده‌ها از وضعیت تأهل دانشجویان و نتایج آن‌ها، و هم به وسیله محدودیت در تعداد نمونه که این اجازه را نمی‌دهد تا به لحاظ آماری به شکل مناسبی مورد تجزیه و تحلیل واقعی قرار گیرد، دارای محدودیت است.

نزدیک‌ترین تلاش کاری است که توسط فلدمن ۱۹۷۳ صورت پذیرفته است که از یک پیمایشی که به وسیله کمیسون کارنگی هدایت شده، استفاده کرده است. این مطالعه شامل اطلاعاتی در زمینه سن، جنسیت و وضعیت تأهل دانشجویان بوده است که در جریان تدوین و تهیه رساله دکتری بوده‌اند. به هر حال عمده‌ترین محدودیت این مطالعه فقدان اندازه‌گیری نتایج دانشجویان می‌باشد، نظیر این که آیا دانشجویان فارغ‌التحصیل شده‌اند یا زمان مقاطع تحصیلی آنها چه میزان بوده است. در هر حال مطالعات صورت پذیرفته گر چه از میزان روایی لازم برخوردار نبوده است، با این حال این نشان‌گر تأثیر مثبت ازدواج بر روی دست‌آورد موفقیت‌های تحصیلی بوده است.

ویژگی‌های شبکه‌ای و ازدواج

تحلیل شبکه اجتماعی به عنوان یک دیدگاه تحقیقی در داخل علوم رفتاری و اجتماعی بر مفروضات مهمی از روابط میان واحدهای متعامل مبتنی است. دیدگاه شبکه اجتماعی شامل نظریات، مدل‌ها و نتایجی است که در اصطلاحات و مفاهیم رابطه‌ای یا فرایندی نشان داده شده‌اند. روابط به وسیله اتصالات میان واحدهایی که عناصر بنیادی نظریه شبکه هستند تعریف می‌شوند (Wasserman & Faust, 1999).

واقعیت این است که در تحلیل‌های شبکه اجتماعی واحد تحلیل افراد نیستند بلکه موجودیت‌هایی هستند که از جمعی از افراد و اتصالات میان آنها ساخته می‌شوند. در واقع از این منظر یک فرد به تنهایی موضوع بحث تحلیل شبکه نمی‌باشد بلکه آنچه که مورد تمرکز قرار می‌گیرند یک عینیت اجتماعی مشهور (ازدواج) است که تعدادی از کنشگران در آن سهمیه بوده و

به واسطه آن عینیت (ازدواج) با هم‌دیگر رابطه دارند و این رابطه محوری‌ترین موضوع مورد بحث تحلیل شبکه است.

نتایج مطالعات صورت گرفته در مورد نقش ازدواج در تغییر ساختار شبکه نشان داده است که افراد ازدواج کرده پیوندهای بیشتری با خویشاوندان و همسایگان و پیوندهای کمتری با دوستان و همکاران خود دارند تا افراد مجرد. (Wellman & Wellman, 1992; Hurlbert & Cock, 1990; Wellman, 1985; Fisher, 1982, See Bastani, 2001: 60) شبکه فرد می‌کند. اما تراکم شبکه را کاهش می‌دهد. (Gardon, Dawing, 1978; Wellman etal, 1988; See Bastani, 2001: 60) است که این نتایج به جنسیت ثابت نیست و تغییر می‌کند به طوری که بر اساس یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ازدواج تعداد خویشاوندان را برای مردان افزایش می‌دهد در حالی که تعداد غیر خویشاوندان را برای زنان کاهش می‌دهد. (Fischer & Olikier, 1983; Fischer & Philips, 1982; Fischer & Eliker, 1983)

وضعیت تأهلی علاوه بر تأثیرگذاری بر ساختار شبکه، بر میزان دریافت و احساس حمایت نیز موثر است. بدین صورت که همیشه داشتن یک شریک صمیمی به عنوان یک منبع حمایت مورد توجه قرار گرفته است. هر چند که ممکن است این موضوع به وسیله موارد دیگر تحت تأثیر قرار بگیرد. (Ralf, 2003: 6 ; Schwarzer, etal) مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که رابطه تأهلی حاوی سطوح بالای حمایت اجتماعی ادراک شده است. ادراک بالای حمایت در رابطه تأهلی بیان‌گر این است که صرف داشتن رابطه حتی اگر حمایت واقعی در آن کم باشد یا وجود نداشته باشد، باعث ایجاد احساس حمایت می‌شود. (Ensel 1986; Gerstel etal, 1985; Mirowsly and Ross, 1992) مطالعه ترنر و مارینو این موضوع را تأیید کرده است. آن‌ها در مطالعه خود به آن نتیجه رسیدند که افراد متأهل بیشتر از مجردین احساس حمایت می‌کنند حتی اگر حمایت کم باشد یا حتی وجود نداشته باشد. (Turner and Marino, 1994) هم‌چنین وجود علاقه و دلبستگی در رابطه تأهلی می‌تواند این رابطه را به یک منبع اساسی حمایت اجتماعی تبدیل کند. این رابطه می‌تواند حداقل سه پیامد حمایتی را برای افراد متأهل داشته باشد.

۱- تأهل، هر دو زوج را در روابط اجتماعی بیشتری درگیر می‌کند که باعث افزایش منابع حمایتی می‌شود.

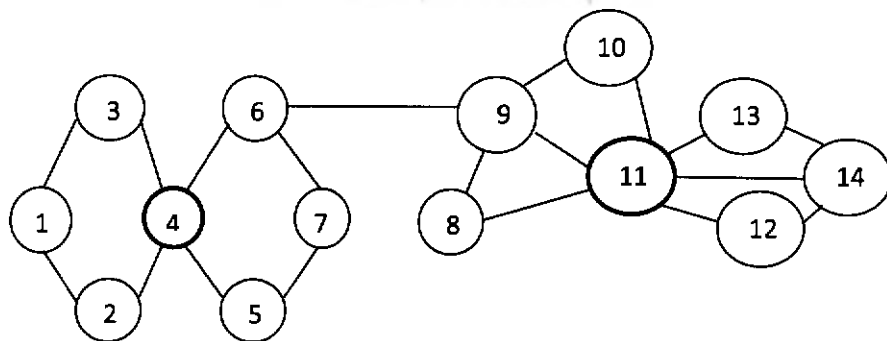
۲- در برابر بیماری‌های روانی و جسمانی افراد را بهتر حمایت می‌کند.

۳- در هنگام سختی‌ها، حداقل یک نفر وجود دارد که آنها را همراهی و کمک کند. (Wellman, 1988)

بررسی ازدواج و تأثیر آن بر شکل‌گیری مسیرها و گره‌هایی که در شبکه ایجاد می‌شود و منجر به ایجاد یکپارچگی، سرمایه اجتماعی و موارد مشابه دیگر می‌شود. اگر ما شکل‌گیری روابط میان یک جمع جداگانه (کنشگرانی بدون هیچ رابطه‌ای با دیگران در یک جمعیت) را تصور کنیم می‌توانیم یک نقطه را، جایی که هر شخص در گروه حداقل با یک شخص دیگر هم‌بسته است، تعریف کنیم. در یک چنین شیوه‌ای می‌توانیم تنها یک مسیر واحدی^۱ از هر شخص دیگری را ردیابی^۲ کنیم. بنابراین شکل ضعیفی از روابط اجتماعی با ظهور جزیره‌هایی که از طریق روابط هم‌بسته می‌شوند، شروع می‌شود. هم‌چنان که روابط اضافی میان زوج‌های ناهم‌بسته قبلی شکل می‌گیرد، می‌توانیم مسیرهای چند گانه‌ای از گروه را ردیابی کنیم. در ابتدا توانایی گروه برای «ارائه حمایت‌های مادی و معنوی»- هم‌چنان که تعداد راه‌هایی که می‌توانیم اعضای گروه را به هم اتصال دهیم، افزایش پیدا می‌کند- بالا می‌رود. این تصور را می‌توان بدین شکل عنوان کرد، هم‌چنان که دسترس‌پذیری به عنوان یک خصوصیت اساسی در شبکه از طریق اتصالات (ازدواج) افزایش پیدا می‌کند «ارائه حمایت‌های مادی و معنوی» بیشتر می‌شود. (وایت و هرری ۲۰۰۱، نقل از غنیمتی، ۱۳۸۲).

وقتی شخصی با ازدواج دارای یک هویت مشخص می‌گردد بیشتر محتمل است که اطلاعات لازم و بیشتری را در دسترس داشته باشد. پس از نقطه نظر اشخاص، پیوندهای ضعیف که از طریق اتصال با یک پیوند قوی در ساختار جدید بوجود می‌آیند، منابع مهمی در جهت ایجاد فرصت‌های تحرک به ویژه شغلی را مهیا می‌کند.

ایجاد پل از طریق ازدواج مابین دو ساختار تفکیک شده



¹ Single Path

² Trace

در شکل بالا ۹ و ۶ با ایجاد یک پیوند قوی از طریق ازدواج در ساختارهای روابط خویشاوندی طرف مقابل نفوذ کرده و از طریق رابطه‌های تقریباً ضعیف با دیگر اعضا ساختار مقابل می‌توانند منابع مهمی از اطلاعات و راهنمایی‌های مورد نیاز خود را به دست آورند و این اطلاعات علاوه بر ساختار روابط خویشاوندی است که خود فرد به آن تعلق داشته و اکثراً دارای رابطه‌های قوی است. در همین نمایش گرافیکی می‌توان نقش خانواده‌های ۱۱ و ۴ را هم از منظر همین مسأله مورد بررسی قرار داد.

پیوندهای ضعیف با ساختار مقابل، یک نقش تأثیرگذار و مهم بر روی یکپارچگی اجتماعی نیز دارند. وقتی که یک فرد شغل خود را تغییر می‌دهد یا آن را بدست می‌آورد نه تنها از یک شبکه از پیوندها به شبکه دیگری حرکت می‌کند بلکه اتصالاتی بین شبکه قبلی و شبکه جدید نیز ایجاد می‌کند. چنین اتصالاتی معمولاً انواع مشابهی هستند که تحرکات را تسهیل می‌کنند. اقتصاديون بازار مدت زمان طولانی است که نسبت به این موضوع آگاهی دارند که کارگران یقه آبی در آمریکا شغل‌های جدید را بیشتر از طریق اتصالات شخصی خود پیدا می‌کنند تا شیوه‌های دیگر. مطالعه صورت گرفته از این نکته برمی‌خیزد که بین اتصالات شخصی که می‌تواند برای وی اطلاعات کافی را مهیا کند و تغییر شغل، رابطه‌ای وجود دارد یا نه؟ در یک نمونه تصادفی در حوزه شغلی مدیریتی یا فنی و حرفه‌ای که اخیراً حرفه خود را تغییر داده بودند و در اطراف بوستون زندگی می‌کرده‌اند، نشان می‌دهد که آنها از طریق اطلاعاتی که از اطرافیان خود بدست می‌آورده‌اند و تماس‌هایشان با اطرافیان خود، توانسته‌اند شغل جدید خود را پیدا نمایند. این مسأله می‌تواند ما را به شاخص قوت پیوندها راهنمایی و هدایت کند. ازدواج می‌تواند به عنوان یک عامل تأثیرگذار در پیدایش آشنایی‌ها و گسترش تعداد اطرافیان نقش بسیار مهمی را ایفا نماید. ازدواج به عنوان یک پل می‌تواند دو ساختار آشنایی مجزا از هم را به همدیگر متصل نماید و با دیگران در ساختار مقابل پیوندهای ضعیفی برقرار نماید. این پیوندهای ضعیف، فرصتی را فراهم می‌نماید که فرد بتواند با تعداد بیشتری از افراد در یک زمان مشخص و ثابت ارتباط داشته و اطلاعات مورد نیاز را به دست آورد.

بنابراین می‌توان چنین اظهار کرد: آنهایی که به وسیله یک ارتباط قوی با یک ساختار دیگر ارتباط‌های ضعیفی برقرار می‌نمایند بیشتر محتمل است که در چرخه‌های مختلفی که در اطرافش وجود دارد دور بزنند و متعاقباً به اطلاعات متفاوتی هم دسترسی داشته باشند.

ازدواج و سلامت روان

انسان از دو بعد جسم و روح تشکیل شده است که باید از هر دو بعد محافظت نماید و نیازهای هر دو را برآورده سازد. بحث سلامتی در مورد انسان یک مسئله مهم است که معمولاً عموم مردم سلامتی را مختص به جسم دانسته و به آن توجه می‌نمایند، حال آن که سلامتی روح نیز مهم است. در اصل سلامتی جسم و روح لازم و ملزوم یکدیگرند.

تعریف سلامت روان

تعبیر «بهداشت روانی»، در زبان روانشناسان، روانپزشکان، آسیب‌شناسان روانی، و روان درمان‌گران فارسی زبان در ترجمه‌ی "Health Mental" انگلیسی به کار می‌رود. به کار برندگان این تعبیر، اگر چه در باب بار عاطفی و ارزش مثبت آن هم‌داستانند، در خصوص بار معنایی آن وفاق نظر ندارند و آن را به معانی گونه‌گونی استعمال و یا فهم می‌کنند. یکی از روانشناسان، به نام جاهودا از بهداشت سلامت روانی تعریف زیر ارائه داده است:

۱- عدم بیماری روانی؛

۲- قدرت تأمل در باب خود (= توانایی خودنگری)، آگاهی از این که چه می‌کنیم و چرا می‌کنیم؛

۳- نمو، رشد و خودشکوفایی؛

۴- یک‌پارچگی همه‌ی فرایندها و صفات فرد؛

۵- توانایی کنار آمدن با فشار روانی؛

۶- خود فرمانروایی و خودفرمانبری^۱

۷- دیدن جهان چنان که واقعاً هست؛

۸- تسلط بر محیط: توانایی مهر ورزیدن، در مهرورزی، کار، و بازی، کفایت داشتن، در ارتباطات و مناسبات با دیگران خوشایند بودن، و قدرت انطباق و سازگاری. گلدشتاین K, Goldestein, سلامتی روانی را تعادل بین اعضا و محیط در رسیدن به خودشکوفایی می‌داند. (کپلان، ۱۳۷۳)

در سال‌های اخیر، انجمن کانادایی بهداشت روان، بهداشت روانی را در سه قسمت تعریف کرده است:

«نگرش‌های مربوط به خود»	«نگرش‌های مربوط به دیگران»	«نگرش‌های مربوط به زندگی»
تسلط بر هیجان‌های خود	علاقه به دوستی‌های طولانی و صمیمی	پذیرش مسئولیت‌ها
آگاهی از ضعف‌های خود	احساس تعلق به یک گروه	ذوق توسعه امکانات و علائق خود
رضایت از خوشی‌های ساده	احساس مسئولیت در مقابل محیط انسانی و	توانایی اخذ تصمیمات شخصی
		ذوق خوب کار کردن

گنجی، ۱۳۷۶

¹ Autonomy

برای مسأله سلامتی روان و بهداشت روانی در دو سطح خرد و کلان می‌توان علی را جستجو کرد. یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار موضوع ازدواج و تشکیل خانواده است که می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر روی شکل و شیوه و سبک زندگی، تعاملات اجتماعی و ایجاد شادی اجتماعی بر سلامتی روان تأثیر بگذارد.

سبک زندگی سالم وسیله مناسبی برای کاهش دادن حوادث و روی‌داده‌ها و نیز تأثیر سلامتی بر روی بهبود، سازگاری و کنار آمدن با مشکلات زندگی و نیز بهبود کیفیت زندگی است (لیونز، و لانگیل ۵، ۲۰۰۰). به عبارت دیگر سبک زندگی سالم عبارت است از: ارائه راه‌هایی که از طریق آن افراد می‌توانند زندگی‌شان را سالم‌تر و بهتر نمایند. برخی از این رفتارها و الگوها عبارتند از تغذیه مناسب و متعادل، فعالیت‌های جسمانی از قبیل ورزش کردن به صورت منظم، استراحت و خواب کافی، داشتن روابط اجتماعی مناسب، استفاده از مهارت‌های مناسب جهت مقابله با استرس و مشکلات زندگی و نهایتاً ازدواج به عنوان یکی از مؤثرترین این راه‌ها و رفتارهاست.

شادی اجتماعی شامل مشارکت اجتماعی، زندگی سازگار با سایر انسان‌ها و ایجاد روابط مثبت و سالم با یکدیگر است. به عبارت دیگر شادی اجتماعی، توانایی موفقیت‌آمیز برقراری تعادل و روابط متقابل با دوستان، خانواده و جامعه می‌باشد. انسان اصولاً موجودی اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط مؤثر، مفید و متقابل با دیگران است. به بیان دیگر بدون ارتباطات مؤثر اجتماعی و تعامل بین فردی، انسان نمی‌تواند به رشد و شکوفایی مطلوب شخصیت برسد. (افروز، ۱۳۷۴)

Chris M. Wilson و Andrew J. Oswald با انجام تحقیقی در سال ۲۰۰۵ تحت عنوان چگونه ازدواج بر بهداشت روانی و جسمی تأثیر می‌گذارد؟ تمامی ادبیات مدرن در حوزه منافع بهداشتی از روابطی نظیر ازدواج را بررسی نموده‌اند. آنها ادعا نموده‌اند که اگر چه هنوز راه‌های تأثیرگذار بسیاری بر بهداشت جسمی وجود دارد که باید درک شود؛ اما آنها قضاوتشان را بعد از مرور رشته‌ها و مجلات تخصصی بسیاری اشتقاق نموده‌اند که مبتنی بر شواهد متقاعد کننده و طولانی مدتی از یک چنین تأثیراتی می‌باشد. میزان سلامتی به دست آمده از بابت ازدواج قابل توجه می‌باشد. حتی ممکن است آنقدر زیاد باشد که از منافع و سلامتی حاصل از ترک سیگار هم بیشتر باشد.

ازدواج و سرمایه اجتماعی

واژه سرمایه اجتماعی در چند سال اخیر از مشهورترین مفاهیم جامعه‌شناختی است که به عرصه زبان و زندگی روزمره وارد شده است. تازگی و نیروی اکتشاف سرمایه اجتماعی از دو عامل ناشی می‌شود: یکی، تأکید بر پیامدهای مثبت جامعه‌پذیری و بی‌توجهی به ویژگی‌های کمتر جالب آن

است و دیگری، قرار دادن پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی در چارچوب بحث سرمایه و پرداختن به این موضوع که چگونه اشکال غیر پولی مانند قدرت، نفوذ و شبکه‌های ارتباطی مانند دارایی‌ها و حساب‌های بانکی عمل می‌کنند و این وضعیت، منجر به جابه‌جایی منابع بالقوه سرمایه گردیده و فاصله میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی را می‌کاهد و هم‌زمان باعث جلب نظر سیاست‌گذارانی می‌شود که به دنبال راه‌حل‌های کم‌هزینه‌تر و غیر اقتصادی برای مسائل اجتماعی‌اند.

«سرمایه اجتماعی» هم‌چون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (یعنی ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهند) به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارند که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشم‌گیری برخوردار است، همکاری آسان‌تر است. البته، ریشه‌های نظری مفهوم سرمایه اجتماعی در آثار کلاسیک جامعه‌شناسی موجود است که در جای خود نیاز به بحث دارد.

نگرانی از کاهش و تنزل در سطح روابط اجتماعی از موضوعاتی است که در تاریخچه جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر بخش عمده‌ای را به خود اختصاص داده است. تولد جامعه‌شناسی نیز به علت نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی در نتیجه صنعتی شدن بوده است. توجه دورکیم به انواع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و تیپ‌بندی وی از انواع خودکشی و مخصوصاً توجه به خودکشی آنومیک و در نظر گرفتن مسئله انسجام اجتماعی و راهکارهای رسیدن به آن و هم‌چنین توجه تونیس (۱۸۸۸) به تبدیل جوامع از اجتماع به جامعه و یا تأثیر زندگی شهری بر حیات انسانی زیمل (۱۹۰۳) همگی به نوعی توجه خویش را به تغییرات در سطح و نوع روابط بین افراد معطوف نموده‌اند و پیشینه مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی نیز در صدد بررسی روابط بین افراد به گونه‌ای است که باعث تسهیل کنش در بین آنان شود. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵)

همان‌طور که سرمایه فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد، جهت شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کند بوجود می‌آید و از جنبه‌ای ملموس و قابل مشاهده برخوردار است، سرمایه انسانی، با تغییر دادن افراد برای کسب مهارت‌ها و توانایی‌هایی به آنها پدید می‌آید و افراد را توانا می‌سازد تا به شیوه‌های جدید رفتار کنند، بنابراین کمتر ملموس بوده و در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده تجسم می‌یابد. اما سرمایه اجتماعی، حتی کمتر از این ملموس بوده و در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. موقعی سرمایه اجتماعی بوجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵)

ازدواج یکی از عواملی است که می‌تواند منجر به توسعه و بسط سرمایه اجتماعی فرد به ویژه در حوزه رابطه‌ای گردد. مطابق با نظریات اندیشمندان این حوزه، سرمایه اجتماعی رابطه‌ای می‌تواند به اشکال مختلف سرمایه تبدیل گردد. از طریق ازدواج منابع ارائه دهنده حمایت‌های اجتماعی، می‌تواند گسترده‌تر شود و شامل محیط خانواده، گروه همسالان، دوستان، خویشاوندان و همکارانی باشد که از طریق ارتباط با یک ساختار خویشاوندی دیگری بدست آید. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده‌اند، یا از طریق تبار، که خویشاوندان را با یکدیگر مرتبط می‌سازد.

با توجه به نظریات مطروحه می‌توان مباحث مفهومی را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- بعد فردی

همان طور که پیش از این بدان اشاره شد، نیازهای فردی را می‌توان به دو بعد مادی (معیشتی و زیستی) و روانی تقسیم کرد. حال باید دید، در فرایند ازدواج (به مثابه یک مبادله اجتماعی عقلانی) یک فرد به چه مطلوبیت‌های روانی و جسمی دست خواهد یافت. به تعبیر اشتراوس پر واضح است که فرایند ازدواج تلفیقی است دراماتیک از نیازهای جسمی و روانی. ازدواج، علاوه بر برطرف کردن نیازهای طبیعی یک انسان -که مهمترین آنها نیاز جسمی است- عامل بسیار مهمی در آرامش و تسکین روان انسانی است. نتایج تحقیقات بسیاری از دیرباز مبین این نکته است که آمار انحرافات اخلاقی و نیز اختلافات روانی، در بین متأهلین به صورت بسیار معناداری کمتر از مجردین است. تعهدی که یک فرد نسبت به خانواده، در بعد از ازدواج در او به وجود می‌آید، مانع بسیار مهمی در برابر مشکلات و اختلافات موجود در رفتار فردی است.

امر فرهنگی به طور معمول ناظر بر نظام‌های ارزشی و مندرجات آن (اعم از مسائل اخلاقی، اعتقادی، زیبایی شناختی و ...) است. کسب ارزش‌های مندرج در یک نظام فرهنگی، مطلوب اکثر کنشگران اجتماعی است. با فاصله گرفتن از چارچوب‌های فرهنگی یک جامعه، فرد مهمترین و غایی‌ترین نظام‌های ارزشی یک جامعه را مورد تهاجم قرار داده است که به صورت طبیعی با شدیدترین واکنش‌های اجتماعی روبرو خواهد شد. در مقابل، کسب ارزش‌های اجتماعی توصیه شده در نظام فرهنگی (اعم از اعتقادات مذهبی، توصیه‌های اخلاقی و ...) تبدیل به سرمایه فرهنگی یک کنشگر اجتماعی خواهد شد. با در نظر گرفتن این مهم، این مسأله مطرح است که در فرایند ازدواج، چه امکانات بالقوه‌ای برای فرد، در قالب سرمایه فرهنگی، بالفعل خواهد شد. با دقت در توصیه‌های اخلاقی و اعتقادی در امر ازدواج به عنوان یک سنت دیرپای که با ملاحظات و توصیه‌های مذهبی نیز همراه است می‌توان به روشنی این نکته را دریافت که مقوله ازدواج در فرهنگ جامعه ایرانی از جوانب مختلف حاصل سرمایه‌های فرهنگی، خاصی خواهد شد که

مهمترین آن کسب شأن اجتماعی و اخلاقی است که به طور معمول در نزد افراد مجرد دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر صرف ازدواج یک فرد می‌تواند برای او در حکم تأیید اخلاقی مهمی باشد که بعد از ازدواج فرد متأهل آن را کسب خواهد کرد.

۲- بعد اجتماعی

اهمیت مقوله ازدواج، بسیار تابع نظام ارزشی و اجتماع یک جامعه است. با در نظر گرفتن این مهم در جامعه ایرانی، می‌توان به برخی از وجوه مثبت ازدواج در جامعه ایرانی اشاره کرد. در مجموع از یک منظر کلی می‌توان گفت ازدواج و تأهل به مثابه مناسک‌گذاری است که فرد را از یک دوران کودکی به یک بلوغ اجتماعی رهنمون می‌سازد. به طور کلی، نگرش اجتماعی به متأهل‌ها به نسبت افراد مجرد بسیار مثبت می‌باشد. گذشته از اعتبار و منزلت اجتماعی کسب شده در فرایند ازدواج، می‌توان به افزایش قدرت اجتماعی کنشگر اجتماعی نیز در این فرایند اشاره کرد. الزامات و امکانات بعد از ازدواج، به صورت خودکار او را با شبکه‌های اجتماعی متفاوت و متعددی مرتبط خواهد ساخت که در سطوح محدود می‌توان به وجود گسترش شبکه خویشاوندی اشاره کرد که بنای پیوند را بین دو خانواده بنیان خواهد نهاد و در نتیجه آن فردی که برآمده از یک خانواده و در نتیجه مورد حمایت یک خانواده بوده است، بعد از ازدواج و تأهل حداقل از سوی خانواده (به مثابه شبکه‌های نفوذ و قدرت اجتماعی) مورد حمایت قرار خواهد گرفت. در مجموع، فرایند ازدواج و تأهل، کنشگر اجتماعی را وارد شبکه اجتماعی گسترده‌تری خواهد کرد که در مجموع به افزایش سرمایه اجتماعی او خواهد انجامید.

۳- بعد اقتصادی

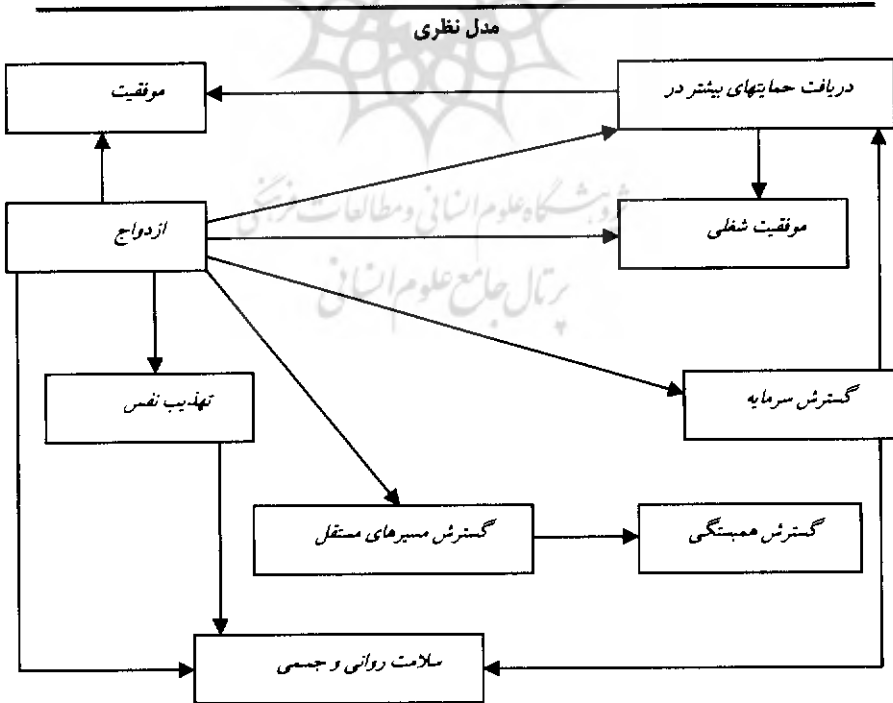
ازدواج این امکان را فراهم می‌سازد که فرد تلاش بیشتری در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خود داشته باشد زیرا در اینجا احساس مسئولیت در مقابل دیگری و خانواده موجب می‌شود که فرد نهایت تلاش خود را به عمل آورد. علاوه بر این، در مواقعی که مشکلات مالی پیش می‌آید، فرد این امکان را دارد که از طریق شبکه‌های خویشاوندی جدیدی که با ازدواج شکل گرفته‌اند، مشکلات خود را مرتفع سازد.

۴- بعد سیاسی

در حوزه سیاسی، ازدواج با توجه به نقش تثبیت‌کننده و رسمیت‌بخش، شرایط پیشرفت شغلی فراهم می‌نماید. بر اساس نظریه‌های حاضر می‌توان فرضیات زیر را اشتقاق کرد.

فرضیه‌های تحقیقی

- فرضیه ۱: بین ازدواج و موفقیت تحصیلی زوجین رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین ازدواج و دریافت حمایت‌های بیشتر در ابعاد چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زوجین رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین ازدواج و موفقیت شغلی زوجین رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۴: بین ازدواج و گسترش سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۵: بین ازدواج و تهذیب نفس (گرایش‌های مذهبی) زوجین رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۶: بین ازدواج و سلامتی جسمی و روانی زوجین رابطه وجود دارد.



روش تحقیق و داده‌ها

با توجه به موضوع مورد مطالعه و شکل آن، از روش و شیوه پانل واپس‌نگر استفاده شده است و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در مطالعه حاضر واحد مشاهده افراد (دانشجویان ازدواج کرده از طریق جشنهای ازدواج دانشجویی در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۸) می‌باشند که بایستی در بین سال‌های ۸۳-۸۵ ازدواج کرده و ترجیحاً هم‌چنان به تحصیل در دانشگاه مشغول باشند. این دانشجویان می‌توانند در مقاطع مختلف تحصیلی باشند.

در باب واحد تحلیل که در مطالعه حاضر واحد تحلیل چه می‌تواند باشد با توجه به خاصیت موضوع نیازمند بکارگیری حداقل ۲ واحد متفاوت برای تحلیل می‌باشیم:

(۱) افراد (۲) واحدهای دانشگاهی

در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری در سطح واحدهای دانشگاهی به صورت تصادفی و در مرحله انتخاب تعداد نمونه‌ها در هر واحد بر مبنای نمونه‌گیری سهمیه‌ای بوده است و در انتخاب نمونه‌ها در هر واحد برای پاسخ‌گویی مجدداً از روش تصادفی استفاده شده است.

جامعه آماری شامل دانشجویان شرکت‌کننده در جشن ازدواج دانشجویی که در واحدهای دانشگاهی منطقه ۸ دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می‌کردند یا در حال تحصیل هستند که برابر با ۱۰۹۶۱ نفر می‌باشند و حجم نمونه برآورد شده توسط فرمول کوکران برابر با ۵۶۸ نفر می‌باشد وقتی که میزان خطا ۰/۰۴ در نظر گرفته شود. این تعداد از ۵ واحد دانشگاهی ۱- دانشکده پزشکی ۲- واحد تهران شمال ۳- واحد قم ۴- واحد شهرری ۵- واحد قدس به نسبت تعداد مزدوجین انتخاب شده‌اند.

یافته‌های آماری

هدف ما از انجام این پژوهش مطالعه آثار و نتایج ازدواج در ابعاد خرد و کلان بوده است بنابراین در اینجا ابتدا گزارش توصیفی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای برای شناخت بیشتر از پاسخ‌گویان ارائه می‌شود و سپس آزمون‌های آماری مناسب با سطح تحلیل و نوع مطالعه برای ارزیابی ادعاهای نظری (فرضیه‌ها) آورده می‌شود.

۴۰ درصد از پاسخ‌گویان مرد و ۶۰ درصد زن بوده‌اند. این پاسخ‌گویان به طور میانگین ۲۵ سال سن داشته‌اند و بیشترین تعداد پاسخ‌گویان در حال گذراندن ترم هفتم از دوره تحصیلی خود بوده‌اند. به طور متوسط ۹۴ واحد از کل واحدهای خود را گذرانده بودند. از تعداد ۶۰۲ پاسخ‌گو تنها ۴ نفر وضعیت تأهلی خود را روشن نکرده بودند و با پذیرش نوعی تسامح اگر چنانچه این

تعداد را به عنوان طلاق گرفته در نظر آوریم تنها حدود ۱ درصد از کسانی که در جشن‌های ازدواج دانشجویی شرکت کرده بودند طلاق گرفته‌اند که از میزان متوسط جامعه بسیار پایین‌تر است و نشان‌گر ثبات ازدواج افرادی است که بدین شکل ازدواج می‌کنند. البته ضروری است این امر مورد توجه قرار گیرد که از عمر حدود ۷۰ درصد ازدواج‌ها تنها یک سال می‌گذرد بنابراین هر گونه قضاوت علمی در این باره نیازمند گذر وقت و زمان بیشتری از ازدواج‌های صورت گرفته می‌باشد.



Paired Samples Test

Sig.(2-tailed)	Df	T	Paired Differences					Means	Std. Deviation	Std. Error Means	95% Confidence interval of the Difference	Upper	Lower	Std. Error Means	Std. Deviation	Means	Description
			95% Confidence interval of the Difference														
			Upper	Lower													
0.023	508	-2.284	-0.0071	0.0950	0.02237	0.50465	-0.511	وضعیت تحصیلی قبل از ازدواج - وضعیت تحصیلی بعد از ازدواج									
0.000	493	-3.708	-0.0457	0.1486	0.02620	0.58239	-0.972	وضعیت شبکه روابط قبل از ازدواج - وضعیت شبکه روابط بعد از ازدواج									
0.000	523	-13.732	-0.4913	0.6553	0.4175	0.95564	-0.5733	وضعیت تهذیب نفس قبل از ازدواج - وضعیت تهذیب نفس بعد از ازدواج									
0.000	528	-10.992	-0.2964	0.4254	0.03283	0.75508	-0.3609	وضعیت سلامتی روانی و جسمی قبل از ازدواج - بعد از ازدواج									
0.000	331	-7.624	-0.2119	0.3592	0.03745	0.68239	-0.2855	وضعیت ترقی شغلی قبل از ازدواج - وضعیت ترقی شغلی بعد از ازدواج									
0.000	481	-18.352	-0.5227	0.6481	0.03190	0.70031	-0.5854	دریافت حمایت قبل از ازدواج - دریافت حمایت بعد از ازدواج									
0.000	533	-9.797	-0.35	-0.53	0.045	1.034	-0.44	حمایت پدیی قبل از ازدواج - حمایت پدیی بعد از ازدواج									
0.000	548	-12.107	-0.42	-0.58	0.41	0.966	-0.50	حمایت اطلاعاتی قبل از ازدواج - حمایت اطلاعاتی بعد از ازدواج									
0.000	530	-5.312	-0.20	-0.43	0.059	1.364	-0.31	حمایت مادی قبل از ازدواج - حمایت مادی بعد از ازدواج									
0.000	514	-9.441	-0.32	-0.49	0.043	0.966	-0.40	حمایت ابزاری قبل از ازدواج - حمایت ابزاری بعد از ازدواج									
0.000	524	-17.803	-0.86	-1.07	0.054	1.240	-0.96	حمایت عاطفی قبل از ازدواج - حمایت عاطفی بعد از ازدواج									
0.000	534	-14.850	-0.70	-0.91	0.054	1.249	-0.80	حمایت احترام و ارزشی قبل از ازدواج - حمایت احترام و ارزشی بعد از ازدواج									

برای اثبات صحت فرضیه‌ها از آزمون T برای نمونه‌های وابسته استفاده شده است.

۱- بر اساس آزمون فوق‌الذکر مقدار T محاسبه شده برابر با $2/284$ این مقدار در سطح معنی‌داری $0/05$ قرار دارد. با توجه به جدول مقادیر مورد نیاز برای رد فرضیه صفر مقدار T محاسبه شده بیش از میزان مورد نیاز است بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می‌گردد. یعنی نتایج مطالعه نشان می‌دهد که وضعیت تحصیلی دانشجویان بعد از ازدواج نسبت به قبل از ازدواج بهتر شده است و یا به زبان دیگر موفقیت تحصیلی دانشجویان بعد از ازدواج بیشتر است تا قبل از ازدواج.

۲- در ارتباط با انواع حمایت‌های ۶ گانه مورد اشاره در این مطالعه نتایج تحلیل نشان می‌دهد که در تمامی این ۶ بعد، میزان حمایت دریافتی در بین دانشجویان بعد از ازدواج نسبت به قبل از ازدواج بیشتر شده است و فرضیه مطروحه یعنی بین ازدواج و دریافت حمایت‌های بیشتر در ابعاد چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زوجین رابطه وجود دارد مورد تایید قرار می‌گیرد.

۳- بین میزان حمایت دریافت شده بعد از ازدواج و موفقیت تحصیلی رابطه‌ای وجود ندارد.

۴- در ارتباط با تاثیرگذاری ازدواج بر روی وضعیت سیاسی فرد که در اینجا موفقیت شغلی به عنوان معرف این بعد در نظر گرفته شده است. نتایج آزمون t محاسبه شده نشان‌گر وجود تفاوت معنادار در موفقیت شغلی در قبل و بعد از ازدواج است و دانشجویان ازدواج کرده از میزان موفقیت شغلی بیشتری برخوردار شده‌اند که نشان‌گر تایید فرضیه موردنظر است.

۵- بین دریافت حمایت بیشتر و موفقیت شغلی بعد از ازدواج رابطه‌ای مشاهده نشده است اما بین دریافت حمایت قبل از ازدواج و پیشرفت شغلی بعد از ازدواج رابطه مستقیم در حد $0/163$ در سطح معنی‌داری $0/003$ وجود دارد. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که بین دریافت حمایت بیشتر قبل از ازدواج و موفقیت شغلی قبل از ازدواج رابطه مستقیم نسبتاً قوی در $0/436$ در سطح معنی‌داری $0/000$ وجود دارد. این امر نشان‌گر تایید تلویحی فرضیه مطروحه است.

۶- بر اساس تحلیل نتایج ناشی از مطالعه مورد نظر دانشجویان ازدواج کرده نسبت به قبل از ازدواج از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار گشته‌اند در عین حال ترکیب و نوع این سرمایه به لحاظ شبکه روابط سازنده آن دست‌خوش دگرگونی گشته و در برخی موارد با توجه به نوع آن از اندازه شبکه روابط کاسته شده است. بر اساس این نتایج فرضیه مورد نظر تایید می‌گردد.

۷- بین گسترش سرمایه اجتماعی و در حمایت‌های چند گانه رابطه‌ای یافت نشد. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید نگردد.

۸- بر اساس تحلیل صورت گرفته دانشجویان ازدواج کرده نسبت به قبل از ازدواج، از تهذیب نفس بیشتری برخوردار گشته‌اند بر اساس این نتایج فرضیه مورد نظر تایید می‌گردد.

۹- بر اساس تحلیل نتایج ناشی از مطالعه موردنظر دانشجویان ازدواج کرده نسبت به قبل از ازدواج از سلامت جسمی و روانی بیشتری برخوردار گشته‌اند. بر اساس این نتایج فرضیه مورد نظر تایید می‌گردد.

۱۰- هم‌چنان که سرمایه اجتماعی به واسطه ازدواج افزایش یافته است وضعیت سلامت جسمی و روانی نیز بیشتر شده است و بالعکس. بنابراین فرضیه مورد نظر تایید می‌گردد.

۱۱- و نهایتاً این که بین تهذیب نفس و سلامت جسمی و روانی رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. فرضیه مطروحه مورد تایید قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات نظری و با توجه به نتایج آزمون تجربی ازدواج دانشجویی نقش کاتالیزوری را ایفا می‌نماید که بر ابعاد دیگر مهم زندگی نیز تاثیر مثبت بر جای می‌گذارد. در واقع می‌توان ادعا نمود که با ترغیب و تشویق دانشجویان به شرکت در ازدواج‌های دانشجویی می‌توان بر کیفیت زندگی جوانان و دانشجویان افزود و زمینه بحران‌های روانی و روحی ناشی از مسایل و مشکلات دیگر را کاهش داد. ترویج جشن‌های ازدواج دانشجویی یکی از بهترین روش‌ها در جهت هدایت افراد به سمت تهذیب نفس می‌باشد که شاید با صرف هزینه‌های بسیار عظیم‌تر هم نتوان به نتیجه مورد نظر دست یافت. ازدواج کاستی‌های ناشی از حمایت‌های رسمی را پر می‌کند و بدین طریق از امکان بروز بحران‌های روحی و روانی در میان قشر جوان کاسته و بلاواسطه از میزان آنومی جامعه می‌کاهد. ازدواج شرایط پیشرفت شغلی به شکل منطقی را فراهم می‌نماید و از سرخوردگی افراد می‌کاهد و نهایتاً هم‌چنان که در بخش ابتدایی این مقاله عنوان گردید با توجه به نتایج تحلیل‌های صورت گرفته ازدواج دانشجویی زمینه فعالیت، برنامه‌ریزی، نظم، انگیزه برای ادامه تحصیلی، تلاش برای درک مفاهیم درسی را بالاتر برده و منجر به موفقیت تحصیلی بیشتر می‌گردد و بدین طریق نهادهای آموزش عالی را در رسیدن به هدف اصلی خود یاری می‌دهد.

منابع فارسی

- پاتنام، رابرت ۱۳۸۰، «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، ترجمه: دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- پاتنام، رابرت ۱۳۸۴، «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی»، چاپ شده در تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، مترجمین: خاکباز، افشین، پویان، حسن، تهران: شیرازه.
- پاشا، غلامرضا ۱۳۷۶، «مقایسه بهداشت روانی بین دانشجویان مجرد و متأهل دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
- فوکویاما، فرانسیس ۱۳۷۹، «پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، مترجم: توسلی، غلامعباس، تهران: جامعه ایرانیان.
- فیروزآبادی، سید احمد ۱۳۸۴، «بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در تهران»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- علی‌نژاد، منوچهر ۱۳۸۲، «بررسی عوامل موثر در مشارکت اقتصادی مردم در طرح بهسازی شهرستان خوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غنیمتی، حسن ۱۳۸۲، «بررسی علل و عوامل موثر بر همبستگی بین گروهی» (عوامل موثر بر همبستگی بین شهرهای استان زنجان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کلمن، جیمز ۱۳۷۷، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه: صبوری، تهران: نشر نی.
- هارولد کاپلان و بنیامین سادوک ۱۳۷۳، «خلاصه روان‌پزشکی، علوم رفتاری و روان‌پزشکی بالینی»، ترجمه: نصرت‌الله پورافکاری، تهران: آزاده.
- گنجی، حمزه ۱۳۷۶، «بهداشت روانی» تهران: ارسباران.
- مزلو، آبراهام ۱۳۷۲، «انگیزش شخصیت» ترجمه: احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مهدوی، محمد صادق ۱۳۷۷، «بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

منابع انگلیسی

- Bain, K. and Hicks, N. (1998), "Building Social and Reading out to Excluded groups: The Challenge of Partnerships", Paper Presented at CELAM Meeting on the Struggle against Poverty Toward the Turn of Millenium, Washington D.C.
- Baum, F., Cooke, R. and Murray, C. (1998), "Community- Based Health Promotion: Evaluation and development", South Australian Community Health Research Unit, Adelaide.
- Black, A. and Hughes, p. (2000), "Social Capital in Urban Life", Paper Presented to Quality of life Conference, Singapore, February 2000.
- Bourdieu, P. (1985), "The forms of Capital" in Handbook of theory and research for the sociology of education. Ed. JG. Richardson, New York: Greenwood, pp. 241.258.
- Brehm, John & Rahn Wandy, (1997), "Individual – Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital", American Journal of Political Science, volume 41, Issue 3(Jul., 1997), 999-1023.
- Coleman, J. (1990), "Social Capital and the Role of Fathers in the Family", Paper presented to National Sumposium on Men In Families, Penn State, University Park, PA< October 31- November 1, 1996.
- Granovetter, Marc, (1985), "Social Structures and Economic Action: The Problem of Embeddedness", American Journal of Sociology, 91 (3): 481-510.
- Hofferth, S., Boisjoly, J. and Ducan, G. J. (1995), "Do Families "Invest" in Social Capital?" Research Report no. 95-353, Population Studies Center, University of Michigan, Ann Arbor, Michigan.
- Jahoda, M. (1958) "Current Concepts of Positive Mental Health" New York: Basic Books.
- Onyx, J. & Bullen, P. (1998) Measuring Social Capital in Five Communities in NSW: A Practitioner's Guide, Management Alternatives Pty Ltd, Sydney.
- Portney, K. E. and Berry, J. M. (1998), "Mobilizing Minority Communities: Social Capital and Participation in Urban Neighbourhoods", American Behavioral Scientist, Vol. 40. No. 5. pp. 362-644.
- Schreiber, R; et al. (1997), "Qualitative Meta- Ananlysis", in morse.j.M. Completing a qualitative project: detailes and dialogue, Thousand, Oask, CA: sage.
- Spellerberg, A. (1997) "Towards a framework for the measurement of social capital", in D. Robinson (ed.) Social Capital and Policy Development, Institute of Polisy Studies, Victoria University of Wellington, Wellington NZ.
- Stutzer Alois and Frey S. Bruno, Does Marriage Make People Happy, Or Do Happy People Get Married? Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, Working Paper Series, ISSN 1424- 0459, 2003.
- Wasserman, S. and Faust, K. (1999), Social Network Analysis: Methods and Applications, Cambridge University Press.
- Winter, I. (2000), "Family Life and Social Capital: Towards a Theorised Understanding", Working Paper No. 21, Australian Institute of Family Studies, Melbourne.
- Wellman, Barry, (1988), Networks as Presonal Communities In Wellman, B., and Berkowitz, S.D. (Eds), Social Structure: A Network approach, Cambridge University Press.
- Wilson M. Chris Oswald J. Andrew (2005) How Does Marriage Affect Physical and Psychological Health? A Survey of the Longitudinal Evidence.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی